

فصلنامه دانش انتظامی سمنان ، دوره دوازدهم ، شماره چهل و ششم ، زمستان ۱۴۰۱

تاریخ دریافت مقاله: ۱۴۰۱/۱۰/۲۲

تاریخ پذیرش مقاله: ۱۴۰۱/۱۱/۲۷

صفحات: ۳۰ - ۴۸

جایگاه پلیس در ارتقاء امنیت عمومی با تاکید بر امنیت اجتماعی و حقوق شهروندی

نویسندگان :

مریم آقایی^۱، کاظم قهرمانلوآلستی^{۲*}

چکیده

امروزه در رویکردها و ضرورت‌های زندگی اجتماعی کنونی حفظ نظم عمومی منطقه‌ای به عنوان یک رویکرد و اولویت غیرقابل انکار است که دولت به نمایندگی از مردم آنرا به پلیس تنفیذ کرده است که در رویکرد تحقیقاتی ما به دنبال این مسئله هستیم که علاوه بر مفروض دانستن این ضرورت باید مقید بدین نتیجه نیز باشیم این قدرت تنفیذی به پلیس باید چهارچوب مند و در راستای حفظ ارتقاء امنیت در تمامی ابعاد آن باشد.

با رویکردی توصیفی تحلیلی و روش اسنادی و کتابخانه‌ای در پی یافتن این سؤال هستیم نقش پلیس به عنوان متولی ارتقاء امنیت عمومی به چه مؤلفه‌هایی بستگی دارد؟ به نظر می‌رسد با حفظ قانون و حقوق شهروندی و به نوعی امنیت اجتماعی در جامعه به صورت بسیار محسوسی امنیت عمومی نیز ارتقاء می‌یابد. این رابطه‌ها در رویکردهای توصیفی تحلیلی به خوبی نمایان است. که پلیس می‌تواند با چنین گزاره‌هایی راندمان کاری خود را در ارتقای امنیت اجتماعی با کمترین هزینه به بالاترین سطح برساند.

کلید واژه ها : پلیس، امنیت عمومی، امنیت اجتماعی، حقوق شهروندی

۱ : دانشیار فقه و حقوق، دانشگاه آزاد اسلامی واحد سمنان - maqaib@gmail.com

۲ : دانشجوی دکترای تخصصی حقوق کیفری و جرم شناسی ، دانشگاه آزاد اسلامی ، واحد سمنان -

kazem7۲۹۲@gmail.com

مقدمه

امنیت دوری از هرگونه تهدید و نیز آمادگی برای رویارویی با خطرات است، مفهوم امنیت نسبی و دارای شدت و ضعف است، به این معنا که در برخی موقعیتها (زمان و مکانهای مختلف) در ذهن افراد ارتقا یا کاهش میابد. امنیت از ضروریترین نیازهای یک جامعه است. مفهوم امنیت از یک سو بسیط است بدین معنا که هر انسانی امنیت یا ناامنی را درک می‌کند؛ ولی از سوی دیگر پیچیده است و تعاریف متعدد و متنوعی از آن ارائه می‌شود. برای درک بهتر مفهوم امنیت، در مطالعات امنیتی تلاش می‌شود که این مفهوم را به اجزاء کوچکتر و قابل درک تری بشکنند. من جمله؛ تجزیه مفهوم امنیت به ارکان آن. ارکان امنیت عبارتند از: مرجع امنیت، تهدید امنیت، تولید کننده امنیت، ابزار و روش تولید امنیت و بالاخره غایت امنیت. مهم‌ترین رکن امنیت مرجع امنیت است. مرجع امنیت ناظر بر این سؤال اساسی است: که امنیت چه کسی؟ یا چه چیزی؟ قسمت دیگری از شکستن مفهوم امنیت، برای درک بهتر مفهوم امنیت شکستن این مفهوم به سطوح امنیت است.

اینجا هدف ارتقاء امنیت عمومی که از منشأ امنیت اجتماعی نشات می‌گیرد مرجع امنیت اجتماعی، گروه اجتماعی است. گروه اجتماعی دو عنصر اساسی دارد که عبارتند از جمعیت گروه و هویت گروه. هر گاه تهدیدی علیه هریک از این دو عنصر اساسی که مقوم گروه اجتماعی هستند روی دهد امنیت اجتماعی به خطر افتاده است. نسل‌کشی، کوچ اجباری، سیاست‌هایی که نتایج آن کاهش یا متفرق شدن جمعیت یک گروه است؛ تهدیداتی هستند که جمعیت گروه را تهدید می‌کند. از سوی دیگر هر اقدامی که باعث شود فرهنگ، آداب و سنن و ارزش‌های گروه که هویت گروه را شکل می‌دهند آسیب ببیند تهدیدی علیه هویت گروه محسوب می‌شود. مانند ممنوعیت استفاده از زبان یا لباس بومی و امثال آن. موضوع امنیت اجتماعی اغلب گروه‌های مذهبی یا قومی هستند. اگر چه گروه‌های صنفی را نیز می‌توان موضوع امنیت اجتماعی قلمداد کرد؛ ولی احزاب سیاسی کاملاً از حوزه امنیت اجتماعی خارج هستند و بیشتر موضوع بعد سیاسی امنیت ملی یا امنیت داخلی هستند. بی‌تردید امنیت داخلی بخشی از امنیت ملی است که کم‌وبیش با موجودیت‌های داخلی سروکار دارد و عمدتاً در بر گیرنده امنیت حاکمیت است. مرجع امنیت داخلی اغلب حکومت، یا به تعبیر دقیق‌تر هسته مرکزی حاکمیت تلقی می‌شود. پلیس و نهادهای اطلاعاتی در تأمین امنیت داخلی نقش کلیدی دارند. گرچه نمی‌توان

کارکرد ارتش، در شرایط بحرانی، که تهدید امنیت داخلی ریشه‌های خارجی دارد را نادیده گرفت. ارتش می‌تواند کارکرد منفی نیز داشته‌باشد، به‌ویژه در کشورهای غیردموکراتیک که با دفاع از حاکمیت ممکن است مرزهای امنیت فردی و امنیت اجتماعی را نیز درنوردد. ایفای چنین نقشی می‌تواند علیه امنیت ملی و به تبع آن امنیت داخلی ارزیابی شود. این کارکرد منفی از طرف پلیس و نهادهای اطلاعاتی نیز دور از ذهن نیست. با رویکردی توصیفی تحلیلی و روش اسنادی و کتابخانه‌ای در پی یافتن این سؤال هستیم نقش پلیس به عنوان متولی ارتقاء امنیت عمومی به چه مؤلفه‌هایی بستگی دارد؟ به نظر می‌رسد با حفظ قانون و حقوق شهروندی و به نوعی امنیت اجتماعی در جامعه به صورت بسیار محسوسی امنیت عمومی نیز ارتقاء می‌یابد. این رابطه‌ها در رویکردهای توصیفی تحلیلی به خوبی نمایان است. که پلیس می‌تواند با چنین گزاره‌هایی راندمان کاری خود را در ارتقای امنیت اجتماعی با کمترین هزینه به بالاترین سطح برساند.

۱- مبانی نظری

مجموعه امنیتی نیز از نظر وی به «گروهی از واحدها اطلاق می‌گردد که علائق امنیتی اصلی آنها به حدی زیاد است که امنیت ملی آنها را نمی‌توان جدا از یکدیگر ملاحظه نمود». به عقیده باری بوزان این عنوان هم شامل ماهیت تشکیل دهنده مجموعه یعنی امنیت و هم شامل ایده وابستگی متقابل جدی میان اعضا می‌باشد و این مجموعه امنیتی بر وابستگی متقابل در رقابت و نیز علایق مشترک اعضا هم دلالت دارد. وی بیان می‌دارد که با استفاده از مجموعه‌های امنیتی می‌توان چهارچوبی تحلیلی برای شناخت مستقلانه هر یک از مناطق به دست آورد که در مقایسه با سطوح ملی بهتر عمل می‌نماید. شرط شکل‌گیری یک مجموعه امنیتی، وجود "وابستگی متقابل شدید" میان گروهی از متقابل است که اعضای این مجموعه را تشکیل می‌دهند. باری بوزان انگلیسی معتقد است که مجموعه امنیتی در جایی وجود دارد که شبکه‌ای از روابط امنیتی شدید به هم پیوند زده‌اند و امنیت آنها را از سایرین جدا نموده‌باشد. بطوریکه شدت وابستگی متقابل امنیتی در میان اعضای مجموعه در مقایسه با واحدهای خارج از مجموعه بیشتر باشد. (بوزان: ۲۱۶: ۱۳۸۷)

منظور از وابستگی متقابل امنیتی نیز تاثیر و تأثر اعضای تشکیل دهنده مجموعه می‌باشد به طوریکه هر گونه تغییر و تحول در موقعیت یک بازیگر در مجموعه باعث ایجاد

تغییر و تحول در موقعیت سایر اعضای مجموعه گردد. بدین ترتیب با توجه به اولین معیار یعنی قرابت جغرافیایی، وجود الگوی دوستی و دشمنی و به خصوص این مورد اخیر یعنی وابستگی متقابل امنیتی وجود شبکه-ای از روابط امنیتی میان اعضا سبب می-شود تا در بسیاری از نواحی عدم شکل-گیری مجموعه-های امنیتی منطقه-ای را شاهد باشیم. (بوزان: پیشین) پس مرتبط با بحث باید چنین گفت در رویکردها و ضرورت‌های زندگی اجتماعی کنونی حفظ نظم عمومی منطقه‌ای به عنوان یک رویکرد و اولویت غیرقابل انکار است که دولت به نمایندگی از مردم آنرا به پلیس تفویض کرده است که در رویکرد تحقیقاتی ما به دنبال این مسئله هستیم که علاوه بر مفروض دانستن این ضرورت باید مقید بدین نتیجه نیز باشیم این قدرت تنفیذی به پلیس باید چهارچوب مند و در راستای حفظ ارتقاء امنیت در تمامی ابعاد آن باشد. چرا که طرح مفهوم «امنیتی کردن»، این گمان به ذهن متبادر می‌شود که امنیت مقوله‌ای ذهنی و بر ساخته انسان می‌باشد که نسبتی با امر واقع ندارد.؟ به عبارت دیگر نسبت واقعیت و ذهنیت در تئوری شما چگونه برقرار می‌شود؟

۲- پیشینه پژوهشی

- مقاله با موضوع: حقوق شهروندی، پیشینه و جایگاه آن در مناسبات پلیس به قلم نویسندگان محمد روشن و بیراوند دیگر نویسندگان که در سال ۱۳۹۳ در فصلنامه بصیرت و تربیت اسلامی به چاپ رسیده است در آن بدین نتیجه دست یافته‌اند که بررسی منابع اسلامی، نشان دهنده آن است که فلسفه حقوق شهروندی در مدیریت پلیسی، احقاق حقوق شهروندان، رعایت عدالت، انتظام بخشی به جامعه، برقراری تعادل بین مردم و حکومت و تعالی جامعه اسلامی می‌باشد. البته نقدی که بر آن وارد است این مسئله می‌باشد که برای وضعیت موجود جامعه راهکار حقیقی ارائه نداده‌اند.

- مقاله با موضوع: جایگاه آموزش حقوق شهروندی بر کاهش خشونت پلیس؛ به قلم نویسندگان سروش امیری و علیرضا احدنژاد که در سال ۱۳۹۷ در فصلنامه سیاست به چاپ رسیده است که در آن نویسندگان معتقدند پلیس به عنوان مهم‌ترین نیرویی که حفظ امنیت داخلی را بر عهده دارد، اما در راستای تأمین حقوق شهروندان، در روند کاری خود مرتکب خشونت و تعرض به آزادی یا امنیت یا حقوق شهروندی شهروندها می‌شود. این مقاله با روش توصیفی تحلیلی درصدد تبیین راهکاری برای برون رفت از این خشونت و

تعارض درونی وظایف پلیس است. ارائه آموزش‌های لازم برای روشن شدن اذهان عمومی نسبت به حقوق شهروندی و چگونگی صیانت آن توسط پلیس، برخی برداشت‌های نادرست را از میان بر می‌دارد. آموزش حقوق مورد احترام شهروندان به پلیس نیز موجب می‌شود اجزاء این نیروی امنیتی، از خشونت و تعرض به حقوق شهروندان، هرچند متهمین و مجرمین بپرهیزند تا از این رهگذر، کارآمدی پلیس در تأمین حقوق شهروندی حاصل شود. به نظر نقد مهمی که بر آن وارد است این مسئله می‌باشد. نویسندگان مقاله نوعاً به صورت انتراعی با قضیه برخورد شده است

- مقاله با موضوع: نقش پلیس در احساس امنیت اجتماعی پایدار (مطالعه موردی: شهر دهگلان)؛ به قلم نویسندگان محمد نایبور و دیگر نویسندگان در سال ۱۳۹۳ در فصلنامه پژوهشنامه جغرافیای انتظامی به چاپ رسیده است در آن آمده است از آنجایی که پلیس تأمین کننده امنیت جانی و مالی شهروندان است نقش آن در رضایتمندی مردم بسیار حائز اهمیت است. بین نقش پلیس و احساس امنیت در بین شهروندان شهر دهگلان رابطه معناداری وجود دارد. همچنین، بین سه شیوه (توانایی، عملکرد، جدیت) پلیس و احساس امنیت اجتماعی شهروندان رابطه معناداری وجود دارد. ضریب همبستگی پیرسون و آزمون فریدمن نیز نشان می‌دهد که عملکرد پلیس، توانایی و جدیت به ترتیب بیشترین تأثیر را بر احساس امنیت اجتماعی شهروندان دارند. نقد بزرگی که بر این مقاله وجود دارد جامعه آماری آن است که نتایج تحقیق قابل تعمیم پذیری به دیگر مناطق جامعه نیست.

البته چندین منبع دیگر در این خصوص وجود دارد که به صورت غیرمستقیم مرتبط با موضوع هستند که جهت رعایت اختصار از ذکر آن پرهیز می‌کنیم.

۳- مفاهیم پژوهشی

۳-۱- امنیت

امنیت واژه عربی از ریشه «امن» است و تعاریف گوناگونی که تقریباً معانی یکسانی را می‌رساند از آن به دست آمده است. در فرهنگ فارسی عمید، امنیت به: «در امان بودن ایمنی، بی ترسی، آرامش و آلودگی» معنا شده است. در دانشنامه سیاسی امنیت در لغت، فراغت از هر گونه تهدید یا حمله یا آمادگی برای رویارویی با هر تهدید و حمله آمده است.

همچنین به صورت نسبتاً جامع در فرهنگ علوم سیاسی، امنیت چنین تعریف شده است. امنیت در کلیت خود دارای ویژگی‌های ذیل است:

۱) **نسبی بودن امنیت:** در جهان امروز دستیابی به امنیت مطلق نا ممکن است زیرا قدرت که مبنای تحصیل امنیت محسوب می‌شود، متغییر متفاوت و نسبی است و به تبع آن امنیت حاصل برای دولت‌ها نیز نسبی می‌باشد. بنابر این با تغییر میزان قدرت و وجود تهدیدات بالقوه و بالفعل حتی قوی‌ترین دولت‌ها نیز امنیت مطلق ندارند به طور خلاصه امنیت مطلق دست یافتنی نیست و هیچ نوع نظم اجتماعی نمی‌تواند همه‌ی بی ثباتیها، خطرها، ویرانی‌ها و مرگ را از بین ببرد.

۲) **ذهنی بودن امنیت:** اصولاً احساس امنیت یا عدم امنیت یک برداشت یا امر ذهنی است که ریشه در اعتقادات و باورهای مذهبی، اخلاقی، فرهنگی مردم و رهبران یک کشور دارد.

۳) **تجزیه ناپذیر بودن امنیت:** بدین معنی که امنیت در مقابله کردن با حاکمیت و استقلال یک کشور رابطه‌ای مستقیم دارد. یعنی اگر در شهر یا استانی از یک کشور جنگ داخلی یا ناامنی پدید آید. نمی‌توان ادعا کرد چون در دیگر شهرها امنیت به هم نخورده است امنیت ملی کامل است.

به طور کلی واژه امنیت عمدتاً به نوعی احساس روانی اطلاق می‌گردد که در آن به خاطر مبرا بودن از ترس وضعیت آرامش و اطمینان خاطر حاصل می‌گردد. پدیده‌هایی که ممکن است باعث ترس شده و آرامش و اطمینان خاطر افراد را مختل سازند. بسیار متعدد و درعین حال پیچیده‌اند. با گذشت زمان و ایجاد تغییراتی در توقعات و نیازهای انسان‌ها، متغییرهای جدیدی برای تعریف امنیت وارد عرصه می‌شوند. مقوله‌ای به نام «امنیت»، قدمتی به وسعت تاریخ بشری دارد. در تاریخ ما، جامعه‌ای را سراغ نداریم که دیر زمانی فارغ از دغدغه‌ها و معضلات امنیتی، روزگار را سپری کرده باشد. اریک کاوش تبارشناسانه، مفهوم امنیت را می‌توان دارای قدمتی طولانی‌تر از مفهوم «اجتماع» و «جامعه» دریافت. آدمی آن زمان نیز که هنوز هیبت و هویتی نیافته بود به امنیت، به چشم آشنایی همیشه همراه می‌نگریست. لکن نخستین مباحث فلسفی و سیاسی در این عرصه را شاید بتوان در گفتمان‌های فلاسفه‌ای همچون: «فلاطون» و «ارسطو» یافت. اندیشمندان فوق بر ایجاد و حفظ امنیت به مشابه یکی از اهداف و وظایف حکومت اصرار می‌ورزیدند. در نظام جمهوری

اسلامی ایران، براساس ماده ۳ قانون نیروی انتظامی، هدف از تشکیل این نیرو، استقرار نظم و امنیت و تامین آسایش عمومی و فردی و نگرهبانی و پاسداری از دستاوردهای انقلاب اسلامی، در چارچوب این قانون، در قلمرو کشور ایران، است. در ماده ۴ همین قانون، ۲۶ وظیفه برای نیروی انتظامی بر شمرده شده است.

۳-۲- امنیت اجتماعی

به نظر می‌رسد پس از اینکه امنیت فردی مورد شناسایی قرار گرفت، افراد برای تحقق و تحکیم امنیت و جایگاه خود ناگزیر از عضویت در اجتماعات یا گروههای مختلف اجتماعی هستند. این سطح از امنیت تحت عنوان امنیت اجتماعی (Societal Security) مورد توجه و بحث قرار می‌گیرد. امنیت اجتماعی، نوع و سطحی از احساس اطمینان خاطر است که جامعه و گروه در آن نقش اساسی دارد. در مقابل مفهوم امنیت اجتماعی که ناظر بر تدارک سلامت افراد جامعه در مقابل اقدامات خشونت آمیز و رفع دغدغه‌های ذهنی (احساس عدم امنیت) شهروندان است، مفهوم تأمین اجتماعی فقط به نگرانی‌ها و معضلات جامعه در موارد و مواقع خاص می‌پردازد. بنابراین نامنی اجتماعی مورد نظر این پژوهش عبارت است از مجموعه حرکت‌های عمدی و تحولات عادی که اطمینان خاطر افراد و انسجام گروه‌های اجتماعی را مخدوش می‌سازند. براساس چهار مؤلفه مذکور می‌توان تصریح نمود که امنیت اجتماعی مفهومی کاملاً متمایز از تأمین اجتماعی می‌باشد. مرجع تأمین اجتماعی فقط بخشی از افراد جامعه است در حالیکه امنیت اجتماعی، کلیت جامعه را مد نظر دارد که در قالب گروههای مختلف اجتماعی خود نمایی می‌کنند.

طی دوران جنگ سرد (۱۹۹۰ - ۱۹۴۵) بین دولت (State) و جامعه (Society) وجه فارق وجود داشت و اساساً، این دولت بود که هم تهدید می‌کرد و هم تهدید می‌شد. اما طی دو دهه اخیر با دگرگونی غیرقابل انکار وزن و رابطه جامعه دولت و توانمند شدن زائدالوصف جوامع در قبال دولت‌ها، امنیت جامعه اعتبار شایانی یافته و حتی مقوله مستقل و جدیدی به نام «امنیت اجتماعی» پدیدار شده است. نکته دیگر اینکه، مفهوم رضایت اجتماعی نه تنها خاستگاه و پایگاه اجتماعی امنیت را برجسته ساخته، بلکه درجه قوت دولت‌ها هم به مشروعیت سیاسی و آنها بستگی یافته است. نارضایتی شهروندان، خود به خود نوعی آسیب پذیری درونی است که زمینه تهدید از بیرون را مهیا می‌سازد. امنیت اجتماعی بر مبنای تجربیات زندگی اجتماعی هر فرد تعریف می‌شود. به عبارتی دیگر، امنیت

اجتماعی تحت قواعد اخلاق غریزی و تجربی بنا می‌شود تا بدین‌وسیله بتواند غرایز زیستی و زیست‌اجتماعی را ارضا نماید. از این منظر کشمکش و مبارزه، ضرورتی تاریخی محسوب می‌شود که از بدو تشکل اجتماع، همراه با اجتماع بوده است و ماهیت کشمکش نیز مبتنی بر اصل دفاع است. به عبارتی، اجتماع برای آزادساختن کنشگران، گروه‌ها و اجتماع از تهدید دیگران به بازاندیشی قواعد و منابع امنیت پرداخته که خود منشأیی برای ایجاد نامنی است. در این نوشتار، ضمن تبیین درک ابعاد امنیت اجتماعی، ماهیت تغییرات اجتماعی پس از انقلاب اسلامی و تغییرات سه دهه اخیر مورد بررسی و واکاوی قرار گرفته است. (امانت: ۱۳۸۶؛ ۲۵)

امنیت اجتماعی در سطح جوامع ناشی از استمرار وجود ارزش‌های فرهنگی چون (فرایند اجتماعی شدن، نظم، وفاق و همکاری اجتماعی و...) به حفظ حریم اجتماعی، رفع خطرات، استفاده بهینه از فرصت‌ها اجتماعی زندگی سطح ارتقاء و می‌پردازد. اجتماعی امنیت را مراقبت برای جامعه توانمندی نوعی از و اجتمای‌های گروه بنیادی‌های ویژگی‌های و قومی، در برابر تغییرات و تهدیدهای عینی جامعه یا همان تقویت هویت‌های اجتماعی و قومی باید دانست. از نظر ماهوی امنیت به معنای رهایی از خطر، تهدید، آسیب، اضطراب، هراس، نگرانی یا وجود آرامش، اطمینان، آسایش، اعتماد، تأمین، ضامن است. امنیت در سطوح (منفعل - فعال - فرافعال) به حفظ تداوم هویت اجتماعی و فرهنگی می‌پردازد. امنیت اجتماعی به عنوان پدیده‌ای در مسیر تحولات اجتماعی برسر راه توسعه یعنی وضعیت موجود و وضعیت مطلوب مورد توجه مردم و گروه‌های اجتماعی قرار می‌گیرد. اهتمام به مسئله امنیت اجتماعی در جامعه ناشی از افزایش سرمایه اجتماعی خواهد بود. در سطح جامعه هر چه شرایط محیطی و میزان تراکم و چگالی تعاملات اجتماعی موجود در محیط‌های اجتماعی با لا تر رود، در نتیجه انسجام، اعتماد و تعامل اجتماعی بیشتر خواهد شد. امنیت اجتماعی در سطح خانواده به معنای رفع تهدیدهای اجتماعی و بهره‌مندی از فرصت‌های اجتماعی خانواده تعریف می‌گردد. امنیت اجتماعی با گسترش شهرنشینی و بروز آسیب‌های اجتماعی در سطح محلات از جمله مباحثی است که مدی ریت شهری می‌تواند، در جهت تقویت سرمایه‌های اجتماعی شهروندان گام‌هایی موثری بردارد. امنیت اجتماعی پاسداری از هویت‌های اجتماعی است؛ بر این اساس جامعه از طریق گسترش فضای اجتماعی و از بین رفتن موانع و محدودیت‌های اجتماعی برای گروه‌های قومی و اجتماعی به دنبال حفظ الگ‌های هویتی خواهد بود. مهم‌ترین خصوصیات امنیت اجتماعی شامل

(جامع بودن، تجزیه ناپذیری، ذاتی، تمرکز بر عدالت و...) می‌باشد. رویکرد سلبی با توجه به برقراری نظم امنیت اجتماعی را تعریف می‌کند و وجه ایجابی با توجه به ظرفیت‌ها و توانمندی‌های جامعه امنیت اجتماعی را مورد مطالعه قرار می‌دهد. نگرش جامعه‌شناسی خرد به این پدیده ترکیبی از عینیت و ذهنیت و مناسبات و تعاملات غیر رسمی است. نگرش کلان به اجتماعی امنیت در و جمع بستر حاصل رسمی هنجارهای می‌گردد. در مباحث انسانی علوم‌های دیدگاه‌شناسی روش و نظری با امنیت تشریح به دیدگاه‌هایشان ذاتی خصوصیات به توجه‌اند پرداخته اجتماعی. در ساختاری نظم کارکردگرایی شناسی جامعه مکاتب بین در جامعه را برابر با امنیت و ابعاد آن دانسته، مکتب کنش متقابل امنیت را حاصل کنش متقابل اعضای جامعه دانسته، و مکتب روش مردم امنیت را در بین زندگی و نظم روزمره مردم ریشه یابی می‌نماید. گیدنز دو وجه عینی و ذهنی را برای بررسی امنیت وجودی بیان می‌کند. مولار با تاکید بر گفتمان سلبی، امنیت اجتماعی را ناشی از رفع تهدید هویت اجتماعی دانسته، باری بوزان بیشتر با تکیه بر دولت محوری این پدیده را مورد ارزیابی قرار داده است؛ ویور ارتباط متقابل هویت-جامعه و امنیت در اندیشه‌های خود می‌پردازد؛ میتار هم با تکیه بر مدل آنارشیستی به فرمول بندی هویت به عنوان بنیادی‌ترین هسته امنیت اجتماعی اشاره می‌کند.. (کونانی و دیگران: ۱۳۹۵)

۳-۳- حقوق شهروندی

حقوق شهروندی مجموعه حقوق بنیادینی هستند که فرد به‌عنوان شهروند از آن برخوردار است، که اصل آزادی مشروع، اصل برائت، حق دسترسی به وکیل، حق دسترسی به دادگاه صالح و... از جمله این حقوق هستند که در کشور ما هم قانون‌گذار در قانون اساسی به طور ویژه مورد توجه قرار داده است و هم مجلس شورای اسلامی در قانون احترام به آزادی‌های مشروع و حفظ حقوق شهروندی از آنها پاسداری کرده است.

حقوق شهروندی، مجموعه حق‌هایی است که هر انسان به‌عنوان شهروند از آنها برخوردار است و لازم است که از سوی دیگران، یعنی دیگر شهروندان و دولت رعایت شود؛ اما قبل از آنکه بدانیم حقوق شهروندی چه حقوقی هستند، باید بدانیم شهروند کیست؟ شهروند بنا به تعریفی، کسی است که از حقوق و امتیازات اعطاشده در قانون اساسی برخوردار باشد که در حقیقت شهروندی، جایگاهی اجتماعی است که در آن فرد از یک طرف از آزادی بیان و برابری در برابر قانون برخوردار است و از طرف دیگر حق مشارکت

سیاسی یعنی حق رأی و تشکیل حزب و صنف و حقوق شهروندی از جهاتی می‌تواند به حقوق بشر مربوط باشد، به این صورت که افرادی که در یک سرزمین زندگی می‌کنند، به جهت انسان بودن، از حقوق برابری برخوردار باشند و همچنین به دلیل اینکه نوع بشر یک‌سری حقوق اولیه را داراست، حقوق شهروندی توسعه پیدا می‌کند. هر شهروندی مجموعه‌ای از حقوق و تکالیف دارد. تکالیف هر شخص به مسئولیت‌های شهروندی او مرتبط می‌شود. این مسئولیت‌ها و تکالیف در جنبه‌های گوناگونی می‌تواند مصونیت داشته باشد. بخشی از تکالیف، تکالیف فردی هستند و به خود فرد ارتباط پیدا می‌کند، مانند حفظ نظافت محیط پیرامون و رعایت قوانین شهری. بخشی دیگر هم به تکالیف اجتماعی افراد مربوط است، یعنی چون یک فرد در یک کشور زندگی می‌کند، نسبت به جامعه پیرامونی خودش طبق مسئولیت‌ها و تکالیفی که برعهده دارد باید عمل کند و باید به گونه‌ای باشد که دچار نقض اجتماعی نشود. این مسئولیت‌ها شامل کمک به افراد نیازمند و سالمندان، رعایت حقوق شهروندی و رعایت عدالت اجتماعی می‌شود. دولت در برابر شهروندان خود تعهداتی دارد که باید به آنها عمل کند. حفظ کرامت انسانی، ارتباط با مردم، تلاش برای آبادانی، حمایت از اقشار آسیب‌پذیر جامعه، افزایش سطح درآمد و رفاه مردم، گردش سرمایه و جلوگیری از انباشت آن، تخصیص عادلانه منابع و امکانات و رعایت اولویت‌ها، برقراری امنیت و ایجاد نظم و انضباط اداری و همچنین صیانت از حقوق فردی، همگی از تعهدات دولت در قبال شهروندان است. بنابراین، دولت در مقابل شهروندان مسئولیت‌های بسیار پراهمیت و مهمی بر عهده دارد که اگر این مسئولیت‌ها درست اجرا شوند، شهروندان هم برای انجام دادن مسئولیت‌های خود تلاش بیشتری می‌کنند. شهروندان می‌توانند در مباحثی چون کاهش جرائم، بازسازی و تأمین مسکن، آموزش و فرهنگ‌سازی حقوق شهروندی و حفظ و رعایت بهداشت و نظافت پیرامون شهری خود و حل و فصل بعضی مسائل اجتماعی دیگر مؤثر باشند. در ضمن، با راه‌های گوناگونی همچون مراجعه به دادگاه و مراجع قضایی نیز می‌توانند با مشکلات و معضلات اجتماعی برخورد کنند. گذشتگان می‌گفتند «حق گرفتنی است، نه دادنی.» بر این اساس، اگر شهروندان برای دفاع از حقوق شهروندی خود، از آن حقوق آگاهی داشته باشند و بر رسیدن به حقوق شهروندی خود پافشاری کنند، دولت چه در معنی قوه مجریه و چه در معنی حاکمیت، ناچار به تمکین و انجام دادن توقعات شهروندان می‌شود، ولی اگر شهروندان در حفظ حقوق شهروندی خود و کسب آگاهی درباره این حقوق کوتاهی انجام دهند، دولت هم در این زمینه دچار قصور و

تقصیر می‌شود. بنابراین، نقش شهروندان در حفظ و صیانت از حقوق شهروندی یک امر ضروری است.

۴- پلیس و ارتقاء امنیت

تقویت و ارتقاء احساس امنیت مهم‌تر از خود امنیت و یک وظیفه همگانی است چراکه در آموزه‌های دینی ما نیز به این مهم اشاره و همواره مورد تأکید قرار گرفته و تقویت و ارتقاء احساس امنیت یکی از اهداف مهم و اساسی پلیس است. البته نقش رسانه‌های عمومی در گسترش این حس در جامعه نقشی کاربردی و در عین حال راهبردی است نتایج مطالعات انجام شده نشان داده است که میزان استفاده از اینترنت، میزان مطالعه روزنامه و مجلات و نیز اطلاع رسانی و هشدار از طریق رسانه بسیار معنی دار استو در ارتقاء امنیت عمومی تأثیر زیادی دارد. اینترنت از یک سو می‌تواند خود به عنوان رسانه مستقل عملکرده و پیام‌های مورد نظر را به مخاطبان منتقل کند و از سوی دیگر می‌تواند به عنوان بستر و زمینه ایبرای حضور و فعالیت سایر رسانه‌های مورد استفاده عمل کند و روزنامه و مجلات (مطبوعات) هم می‌توانند زوایای تاریک حقایق اجتماعی را روشن سازند و نیز به لحاظ آگاه سازی، آموزش و اطلاع رسانیهم نقش بسیار مهمی در امر ارتقاء امنیت عمومی دارند. (رسولی و دیگران؛ ۵۸:۱۳۹۹)

همگان از پلیس به عنوان اصلی‌ترین نهاد متولی نظم و امنیت انتظار دارند تا با صلابت، اقتدار و هوشمندی و در عین حال درایت و دوراندیشی مانع از ظهور و بروز هر نوع کجروی و هنجار گریزی شود و با بهره گیری از اختیارات قانونی، از ارزش‌ها و هنجارهای جامعه صیانت و انضباط و امنیت را در تمامی سطوح گسترش و برقرار کند. باید در نظر داشت در واقع برای ایجاد امنیت پایدار باید تمام سازوکارهای مادی و معنوی و حقیقی و حقوقی به کار گرفته شود و صد البته مشارکت همگانی مردم در صدر و اولویت است. سازمان‌ها و نهادهای حقوقی و قضایی و صیانتی نیز باید تمام قد، برای ایجاد زمینه‌های امنیت، کماکان پیشگام و پیشتاز بوده و موانع موجود را برداشته و زمینه آرامش عمومی را با اقتدار پلیسی، بهینه و فراهم کنند.

مقوله نظم و امنیت اجتماعی نوعاً از مباحثی است که در طبقه بندی موضوعات جامعه شناختی، نقطه مقابل جامعه شناسی تغییرات اجتماعی و بویژه در تعارض با مباحث تغییرات

عمیق و انقلابات اجتماعی است. با توجه به اینکه مهمترین هدف متخصصان و مسئولان شهری ایجاد رفاه و آسایش شهروندان است، به همین علت، فلذا احساس امنیت از مهمترین مقولات مورد توجه متخصصان برنامه ریزی شهری و علوم اجتماعی در چند دهه گذشته بوده است. احساس امنیت، احساس مصونیت فرد در مقابل تهدیدهایی است که از جانب کنشگران دولتی و غیردولتی جان، مال، فکر و توانایی افراد را برای شرکت نمودن در اجتماعات دلخواه و یا حفظ این اجتماعات تحت تأثیر خود قرار می‌دهد. پلیس و نیروی انتظامی مهمترین نهاد نظارت اجتماعی هستند. این نیرو در کشورهای دموکراتیک انحصار مشروع به کارگیری زور و اجبار و خشونت علیه این بی نظمی را در اختیار دارد حال، نیروی انتظامی اساساً برای موفقیت در انجام وظایف خود به همکاری و حمایت شهروندان متکی است. بدون حمایت عموم مردم، پلیس توانایی حل و فصل جرائم، کاهش مشکلات و حفظ نظم و همکاری در راستای جلوگیری از جرم را ندارد. اعتماد و اطمینان مردم به پلیس سنگ بنا و محور هر نوع همکاری عمومی برای مشروعیت پلیس در جوامع دموکراتیک است. (آذری و دیگران؛ ۹۹:۱۳۹۵)

۵- پلیس با کار ویژه امنیت اجتماعی

یکی از عمده‌ترین نیازهای بشری و به عنوان یک امر مهم در حیات اجتماعی انسان همواره مورد توجه بوده است. همانگونه که می‌دانیم انسان موجودی اجتماعی است و نیازمند ارتباط با سایر هم نوعان خود است بنابراین بقای انسان در بقای جامعه‌ای است که در آن زندگی می‌کند. هیچ جامعه‌ای بدون نظم و امنیت قادر به ادامه حیات خود نیست، حضور مردم در فضای عمومی، مستلزم احساس امنیت از سوی آنان است. یکی از مهم‌ترین عوامل تهدید کننده حضور مردم در فضای عمومی، ترس یا احساس ناامنی است. ناامنی مکان‌ها و فضاهای عمومی، نشاط و سلامتی را در زندگی روزمره مختل و هزینه‌های زیادی را بر جامعه تحمیل می‌کند. یکی از سازمان‌هایی که بیشترین مسئولیت را در زمینه برقراری و حفظ امنیت اجتماعی به عهده دارد نیروی انتظامی است. وظیفه نیروی انتظامی تأمین امنیت اجتماعی است تا مردم در اماکن عمومی، محیط کار و زندگی خود، احساس تهدید و ترس نکنند. فلسفه وجودی نیروی انتظامی، برخورد با هرگونه ناامنی است که به دلایل مختلف ممکن است در سطح جامعه ایجاد شود. در مورد شیوه اعمال این وظیفه، دو

رویکرد می‌توان در پیش‌گرفت، یکی رویکرد سخت‌افزاری و اقتدارگرا و رویکرد دیگر، شیوه نرم‌افزارانه، جامعه محور و تعامل محور است. خوشبختانه روش دوم در قالب اقدامات متنوع و متعدد، چند سالی است که در دستور کار پلیس قرار گرفته البته این بدان معنا نیست که پلیس نباید از اقدامات سلبی خود استفاده کند بلکه منظور این است که پلیس نباید تنها بر جنبه‌های سلبی تکیه کند.

«پلیس از یک طرف سازمانی قانونگرا است که قدرت مشروع اجبار فیزیکی را به صورت قانونی در اختیار دارد و از سوی دیگر یک نیروی مدنی است که نباید فاصله‌ای میان او و مردم باشد. پلیس از یک سو با تکیه بر اقتدار در راستای برقراری نظم و امنیت عمل می‌کند و از سوی دیگر با تکیه بر مشارکت شهروندان باید به تقویت امنیت بپردازد. بر اساس تدابیر و سیاست‌های نیروی انتظامی، امروز پلیس در مسیر برقراری یک رابطه نزدیک با افراد جامعه حرکت می‌کند از این رو پلیس تعامل نزدیکی با افراد جامعه داشته و ضمن آموزش و آگاه‌سازی، آن‌ها را در پیشگیری از جرم و حل و فصل منازعات و اختلاف‌ها یاری می‌دهد.»

پیشگیری از جرم با بهره‌گیری از بستر تعاملات اجتماعی، به عنوان یکی از راه‌های مبارزه با جرم و حوادث ناگوار همیشه مورد توجه بوده و به مجموعه تدابیر، برنامه‌ها و اقداماتی اطلاق می‌شود که قبل از روی دادن جرم و بزه انجام می‌شود. «بنابراین پلیس باید همواره در دسترس مردم، همجوار با مردم و در تماس مستقیم و مستمر با شهروندان و آگاه به مشکلات آنان باشد. راهبرد اساسی پلیس، مشورت و رایزنی نظام‌مند و منظم با جامعه و تشکل‌های مردمی و اتخاذ تدابیر مناسب محلی برای پیشگیری از جرم در محله‌های مستعد وقوع جرم است.» پلیس می‌تواند با آگاهی از واقعیت‌های جامعه شناختی، نسبت به برنامه‌ریزی و مدیریت جهت پیشگیری از وقوع جرم اقدام نماید. بنابراین نقش کارکنان پلیس در پیشگیری از جرم تنها به اهداف پیشگیری وضعی مانند نظارت بر اماکن جرم‌زا منحصر نمی‌گردد بلکه امروزه با توسعه جامعه‌گرایی و لزوم جلب مشارکت مردم در تأمین امنیت، بر نقش این نهاد در تحقق اهداف پیشگیری از آسیب‌های اجتماعی با هدف حمایت از شهروندان آسیب‌پذیر در برابر خطر وقوع جرم، افزایش آگاهی عمومی اعم از آموزش‌های همگانی مستمر، ارائه خدمات مشاوره‌ای و ایفای نقش میانجیگری در اختلافات نیز تأکید گردیده است.

تولید و حفظ امنیت از مهم‌ترین مقولاتی است که از دیرباز تا کنون جزء مسئولیت دولت‌ها و نیروهای امنیتی به ویژه پلیس بوده است. ماده ۴ قانون نیروی انتظامی نیز استقرار نظم و امنیت در جامعه را جزء وظایف و مأموریت‌های اصلی پلیس ایران دانسته است. در تفکر سنتی، نظر عموم این بود که وظیفه پلیس نه در پیشگیری از جرائم؛ بلکه بعد از وقوع جرم است. اما تحول در مفاهیم امنیت و آشنایی نظری با عوامل مؤثر بر رفتار انسان‌ها از جمله عوامل مؤثر بر گرایش انسان به جرم و اعمال خلاف، رویکرد جدیدی در جرم‌شناسی و بالطبع در وظایف پلیس به وجود آورده است. این نگاه با رهیافت جدید که علاوه بر مسائل و تئوری‌های نظری به مرور از قوت و حمایت‌های فراوانی برخوردار گردید؛ بر اولویت پیشگیری از جرائم در مقابله با جرائم و ایجاد جامعه‌ای به دور از قانون‌شکنی استوار است. بنابراین در رویکرد نوین، از وظایف پلیس جلوگیری از جرائم می‌باشد که به یک مسئله مهم و اساسی در کشورهای توسعه‌یافته تبدیل شده است. امروزه آمار و ارقام وقوع جرم بیانگر افزایش و پیچیده‌تر شدن انواع جرائم در جهان است. آگاه‌سازی مردم نسبت به قوانین و مقررات اجتماعی، آموزش آنها نسبت به چگونگی حفظ اموال و دارایی‌های خود و روش‌های مقابله با سارقین و غیره نقش فراوانی در ارتقاء ضریب امنیت فردی و اجتماعی جامعه دارد. این راهبرد در واقع حرکت و عبور از شیوه سنتی (واکنشی و مبتنی بر وقوع حادثه) به سوی شیوه فعال مبتنی بر حل مسئله است که با مشارکت واقعی مردم صورت می‌پذیرد.

مشارکت مردم با پلیس می‌تواند اشکال مختلفی داشته باشد. مع الوصف توجه به ارائه‌ی استراتژی‌های بومی می‌بایست به عنوان یک اصل اساسی در تعیین انواع مشارکت‌های مردمی با پلیس مورد توجه دست اندکاران امر باشد. یعنی توجه به کلیه شرایط و احوال فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و سیاسی حاکم بر جامعه در تعیین شیوه‌های مشارکت مردم با پلیس کاملاً ضروری است. مثلاً در جوامع سنتی روابط خویشاوندی و سنت ریش سفیدی در مشارکت اجتماعی مردم تأثیر داشته است. در سطح اجتماعی نیز بالطبع، نتیجه همکاری و مشارکت مردم آثار بسیار سودمندی را برای خود مردم در برداشته و دارد. در واقع، چون هدف تمام مأموریت‌ها و برنامه‌های سازمان نیروی انتظامی ارائه خدمت بهتر به مردم در حوزه نظم و امنیت است، بنابراین هرچقدر مشارکت مردم در اجرای این برنامه‌ها با نیروی انتظامی بیشتر باشد؛ خود مردم بهتر از نتایج حاصل منتفع می‌شوند. چندین تجربه مشارکتی مردم با نیروی انتظامی در چند سال گذشته و سال جاری در اجرای چند مأموریت

مؤید همین حقیقت می‌باشد. به عنوان نمونه مشارکت عمومی در اجرای طرح‌های ویژه‌ی ترافیکی در ایام نوروز، کاهش قابل توجهی از حجم تصادفات و کاهش مرگ و میر و صدمات انسانی در سطح جاده‌های کشور را در بر داشت که قطعاً درصد قابل توجهی از این موفقیت ناشی از همکاری و مشارکت خود مردم و رانندگان در اجرای این طرح ملی بود. اگر مردم در بخش‌های مختلف اجرای این طرح خصوصاً در بخش اطلاع رسانی مشارکت نمی‌نمودند، به هیچ وجه نتایج حاصل این طرح به این اندازه موفقیت آمیز نمی‌بود. (همان، منبع پیشین)

۶- لزوم رعایت حقوق شهروندی در مأموریت‌های پلیسی

پلیس به عنوان مهمترین نیرویی که حفظ امنیت داخلی را بر عهده دارد، در راستای تأمین حقوق شهروندان، ناگزیر از انجام کارهایی است که به درست یا نادرست، تعرض به آزادی یا امنیت یا دیگر حقوق شهروندی نامیده می‌شود. برای یافتن راهکاری برای برون رفت از این چالش و تعارض درونی وظائف پلیس، بررسی‌های ژرف و آموزش هدفمند حقوق شهروندی بایسته و شایسته است. با این نگاه، کارآمدی پلیس در گرو آموزش حقوق شهروندی به اجزاء این نیرو و عموم شهروندان است. ارائه آموزش‌های لازم برای روشن شدن اذهان عمومی نسبت به حقوق شهروندی و چگونگی صیانت آن توسط پلیس، برخی برداشت‌های نادرست را از میان بر می‌دارد. آموزش حقوق مورد احترام شهروندان به پلیس نیز موجب می‌شود اجزاء این نیروی امنیتی، از تعرض به حقوق شهروندان، هرچند متهمین و مجرمین بپرهیزند تا از این رهگذر، کارآمدی پلیس در تأمین حقوق شهروندی حاصل شود. (علیدوستی؛ ۱۳۸۸: ۴۵)

قانونمند نمودن رفتار پلیس در انجام وظایف و اختیاراتش و دفاع از حقوق بنیادین شهروندان مستلزم شناخت دقیق حقوق شهروندی از سوی افراد پلیس و شناخت مردم از حدود وظایف، اختیارات و صلاحیت‌های پلیس می‌باشد. در نظام جمهوری اسلامی ایران با در نظر گرفتن ماهیت مردمی و اسلامی پلیس به عنوان مجری قانون و عدالت و حافظ حقوق شهروندان، حفظ کرامت و حقوق انسانی افراد جامعه از اهمیت خاصی برخوردار است. پلیس، سازمانی دولتی و مسئول برقراری نظم و امنیت عمومی در جامعه است لذا جهت برقراری این مقوله می‌بایست دارای وظایف و اختیاراتی بوده تا بتواند نسبت به ایفای

نقش اقدام نماید از آنجا که اولین مرحله ورود افراد به نظام عدالت کیفری سازمان پلیس می‌باشد لذا اهمیت نقش آن بیشتر آشکار و مردم همواره نظام حاکم را با پلیس می‌شناسند. از آنجا که در مرحله نخستین ورود به نظام عدالت کیفری امکان بیشترین تعرض به حقوق بنیادی و اساسی افراد مشاهده می‌شود لذا مطالعه شرح وظایف و اختیارات پلیس توجه خاص حقوقدانان را به خود معطوف داشته است بنابراین امروزه توجه به جایگاه علمی پلیس، وضع قوانین و مقررات محدود کننده تعرض به حقوق بنیادی بشر، توسل به شیوه‌ها و اقدام‌های پیش‌گیرانه و حمایتی با هدف کاهش میزان جرائم و آسیب‌های ناشی از آن بر سیاست جنایی نظام‌های مختلف تأثیر گذاشته است. پلیس، سازمانی است دولتی که به نیابت از دولت و بر طبق قانون و در حدود وظایف و اختیارات محوله قانونی مسئول برقراری نظم و امنیت و اعمال و اجرای قانون بویژه حقوق کیفری می‌باشد بنابراین مأموریت پلیس در جامعه اجرای قوانین می‌باشد و هدف از اجرای قانون، برقراری نظم و امنیت و حفظ آن می‌باشد. ایجاد امنیت مسأله‌ای می‌باشد که پس از رفع مایحتاج اولیه بشر برای حیات انسانی در درجه اول اهمیت قرار دارد از طرفی همواره اشخاصی در همه جوامع وجود دارند که با رفتارهای نامعقول و ناهنجار خود سعی در برهم زدن نظم و امنیت عمومی جامعه دارند. برقراری نظم و امنیت نیز مستلزم اعطای اختیاراتی است که ممکن است سایر شهروندان یا سازمان‌ها صلاحیت داشتن آن را نداشته باشند از این رو پلیس برای برقراری و حفظ نظم و امنیت دارای اختیارات ویژه‌ای مانند تجهیز به سلاح گرم و اجازه استفاده از آن تحت شرایط قانونی، اختیار استفاده از قوای قهریه در موارد لزوم، اجازه سلب آزادی مطابق قانون و... است. بنابراین ممکن است پلیس در راستای برقراری نظم و امنیت که هدف و مأموریت ذاتی اوست خود باعث تعرض به حقوق سایر شهروندان و ایجاد اختلال در نظم جامعه شود، از این رو، اعطای چنین اختیاراتی به سازمان‌های پلیس باید در پرتو قوانین محدود و صریحی باشد که بقای نظم و امنیت جامعه را تضمین نماید. در رابطه با این اثر علمی سوالاتی که مطرح است با توجه به کمبود منابع در ایران بسیار فراوان می‌باشد. در حکومت‌های مردم سالار و مبتنی بر آراء مردم رعایت حقوق شهروندی در عرصه‌های مختلف زندگی اجتماعی خصوصاً در عرصه‌ی امنیت داخلی یکی از شئون رعایت حقوق انسانی افراد تلقی می‌گردد به گونه‌ای که رعایت این حقوق در وظایف و اختیارات پلیس به یکی از چالش‌های فراروی مردم و پلیس تبدیل شده است. تأمین و تضمین حقوق شهروندی و آزادی‌های افراد از کارکردهای دولت‌هاست که از سوی سازمان پلیس در

کشورهای مختلف انجام می‌شود. از آنجا که فلسفه‌ی وجودی سازمان پلیس، حفظ جان، مال و آبروی مردم و به طور کلی استقرار و حفظ نظم و امنیت در جامعه است، پلیس نیز همانند سایر سازمان‌های عمومی دولتی از قدرت عمومی برخوردار است. (موحدی نسب و دیگران؛ ۱۴۰۰)

نتیجه گیری

امنیت واژه عربی از ریشه «امن» است و تعاریف گوناگونی که تقریباً معانی یکسانی را می‌رساند از آن به دست آمده است. در فرهنگ فارسی عمید، امنیت به: «در امان بودن ایمنی، بی ترسی، آرامش و آلودگی» معنا شده است. در دانشنامه سیاسی امنیت در لغت، فراغت از هر گونه تهدید یا حمله یا آمادگی برای رویارویی با هر تهدید و حمله آمده است. مفهوم امنیت از یک سو بسیط است بدین معنا که هر انسانی امنیت یا ناامنی را درک می‌کند؛ ولی از سوی دیگر پیچیده است و تعاریف متعدد و متنوعی از آن ارائه می‌شود. برای درک بهتر مفهوم امنیت، در مطالعات امنیتی تلاش می‌شود که این مفهوم را به اجزاء کوچکتر و قابل درک تری بشکنند. اینجا هدف ارتقاء امنیت عمومی که از منشأ امنیت اجتماعی نشات می‌گیرد مرجع امنیت اجتماعی، گروه اجتماعی است. پلیس و نهادهای اطلاعاتی در تأمین امنیت داخلی نقش کلیدی دارند.

امنیت اجتماعی در سطح جوامع ناشی از استمرار وجود ارزش‌های فرهنگی چون (فرایند اجتماعی شدن، نظم، وفاق و همکاری اجتماعی و....) به حفظ حریم اجتماعی، رفع خطرات، استفاده بهینه از فرصت‌ها اجتماعی زندگی سطح ارتقاء و می‌پردازد. اجتماعی امنیت را مراقبت برای جامعه توانمندی نوعی از و اجتمای‌های گروه بنیادی‌های ویژگی‌های قومی، در برابر تغییرات و تهدیدهای عینی جامعه یا همان تقویت هویت‌های اجتماعی و قومی باید دانست. از نظر ماهوی امنیت به معنای رهایی از خطر، تهدید، آسیب، اضطراب، هراس، نگرانی یا وجود آرامش، اطمینان، آسایش، اعتماد، تأمین، ضامن است. امنیت در سطوح (منفعل - فعال - فرافعال) به حفظ تداوم هویت اجتماعی و فرهنگی می‌پردازد. امنیت اجتماعی به عنوان پدیده‌ای در مسیر تحولات اجتماعی برسر راه توسعه یعنی وضعیت موجود و وضعیت مطلوب مورد توجه مردم و گروه‌های اجتماعی قرار می‌گیرد. اهتمام به مسئله امنیت اجتماعی در جامعه ناشی از افزایش سرمایه اجتماعی خواهد بود.

اینجاست که باید به حقوق شهروندی نیز توجه کرد چرا که دولت در برابر شهروندان خود تعهداتی دارد که باید به آنها عمل کند. حفظ کرامت انسانی، ارتباط با مردم، تلاش برای آبادانی، حمایت از اقشار آسیب‌پذیر جامعه، افزایش سطح درآمد و رفاه مردم، گردش سرمایه و جلوگیری از انباشت آن، تخصیص عادلانه منابع و امکانات و رعایت اولویت‌ها، برقراری امنیت و ایجاد نظم و انضباط اداری و همچنین صیانت از حقوق فردی، همگی از تعهدات دولت در قبال شهروندان است. پس پلیس به عنوان نماد حاکمیت در اینجا باید توجه ویژه‌ای به حقوق شهروندی در کنار امنیت اجتماعی برای ارتقاء کلی امنیت عمومی داشته باشد. در مقاله حاضر در پی یافتن این سؤال بودیم که نقش پلیس به عنوان متولی ارتقاء امنیت عمومی به چه مؤلفه‌هایی بستگی دارد؟ به نظر می‌رسد با حفظ قانون و حقوق شهروندی و به نوعی امنیت اجتماعی در جامعه به صورت بسیار محسوسی امنیت عمومی نیز ارتقاء می‌یابد. این رابطه‌ها در رویکردهای توصیفی تحلیلی به خوبی نمایان است. که پلیس می‌تواند با چنین گزاره‌هایی راندمان کاری خود را در ارتقای امنیت اجتماعی با کمترین هزینه به بالاترین سطح برساند.

فهرست منابع و مآخذ

- امانت، حمیدرضا. (۱۳۸۶). امنیت اجتماعی. فصلنامه علمی راهبرد، ۱۵(۳)، -.
- آذری، سکینه و حسین زاده، سعید، (۱۳۹۵)، نقش پلیس در نظم و امنیت جامعه، اولین همایش ملی آینده پژوهی، علوم انسانی و امنیت اجتماعی، خرم آباد، <https://civilica.com/doc/۶۶۷۸۶۶>
- باری بوزان. مردم، (۱۳۷۸). دولت‌ها و هراس. ترجمه پژوهشکده مطالعات راهبردی. تهران: انتشارات پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- خرمی، علی اکبر (۱۳۹۳)، تأثیر سرمایه اجتماعی بر ارتقاء امنیت عمومی، پایان نامه دوره ۲۰ دافوس، فرماندهی وستاد، دانشگاه علوم انتظامی.
- رسولی، غلامرضا و زمانی بالاجاده، عزت اله (۱۳۹۹)، نقش تعامل ارتباطی اجتماعی پلیس با رسانه‌ها در ارتقاء امنیت عمومی، مجموعه مقالات پذیرفته شده در همایش ملی پلیس و تعامل ارتباطی اجتماعی، تهران، قابل دسترسی: <https://civilica.com/doc/۱۱۸۳۲۷۵>
- علیدوستی، ناصر (۱۳۸۸)؛ پلیس و آموزش حقوق شهروندی؛ فصلنامه مطالعات راهبردی، شماره چهل و چهارم.
- کونانی، سامان و مهرابی، مهرا، (۱۳۹۵)، امنیت اجتماعی، اولین همایش ملی آینده پژوهی، علوم انسانی و امنیت اجتماعی، خرم آباد، <https://civilica.com/doc/۶۶۷۸۲۹>
- موحدی نسب، منصور، پروین، خیراله، صلاحی، سهراب. (۱۴۰۰). رویکرد سیاسی، حقوقی پلیس در تضمین حقوق شهروندی با تاکید بر آزادی‌های عمومی. سیاست پژوهی ایرانی (سپهر سیاست سابق)،